



جزایر ایران در خلیج فارس از موقعیت ویژه و مهمی برخوردارند. به ویژه جزیره ابوموسی و جزایر تنب بزرگ و کوچک که در دهانه تنگه هرمز واقع اند و مکان های بالقوه مهمی از نظر استقرار تجهیزات نظامی محسوب می شوند. علاوه بر آن مقادیر قابل توجهی نفت نیز در آن نقطه وجود دارد. مقاله حاضر نتیجه تحقیقاتی است که

بریتانیا این مسئله را به بعد موکول کرد تا اینکه شاه در سال ۱۹۷۱ سربازان خود را در آنجا مستقر کرد. این منطقه چه از نظر استقرار صلح و امنیت و چه از نظر نظامی برای کشور ایران حائز اهمیت است. ایران در ژانویه ۱۹۶۹ از ادعای خود در مورد کشور بحرین گذشت ولی وجود سربازان ایرانی در جزیره ابوموسی را امری ضروری اعلام کرد.

مرتضی امین منصور پیرامون این منطقه مهم و راهبردی تهیه کرده است و بر حاکمیت بلامنازع ایران بر این مناطق تاکید مجدد دارد.

مدارک درباره حاکمیت ایران بر این منطقه آن قدر مستدل است که هیچ دادگاه بین المللی به خود اجازه نخواهد داد خلاف مدارک و اسناد تاریخی و تنها بر اساس سیاست های روز علیه آن داوری کند. نویسنده مصرأ به مقامات ایران توصیه کرده است که آبادانی این منطقه و تلاش های رسانه ای برای پیش گیری از تنش های احتمالی را همواره مد نظر قرار دهند.

مطالب مرتضی امین منصور به علت سالیها دوری از وطن لحن خاصی دارد که تحریریه ماهنامه به رغم ویرایش جزئی، آن را خالی از لطف نمی داند.

در پایان سایت های اینترنتی معرفی شده اند که خواننده می تواند با مراجعه به آن به نکات تازه تری پیرامون این منطقه دست یابد.

در ژانویه ۱۹۶۸ کشور بریتانیا اعلام کرد که در سال ۱۹۷۱ سربازان خود را از منطقه شارجه بیرون خواهد برد. در این زمان گفته می شد که امیر شارجه روی جزیره ابوموسی کنترل دارد. شاه ایران از دولت بریتانیا خواسته بود که به اشغال جزیره ابوموسی که در مالکیت دولت ایران بود خاتمه داده و از آن بیرون برود. حتی پدر شاه یعنی رضاشاه این تقاضا را قبلاً از دولت بریتانیا کرده بود اما دولت

آبادانی جزیره ابوموسی پیش نیاز تحکیم موقعیت راهبردی کشور است

جزیره ابوموسی را دوست داشته باشیم

ایالات متحده عربی پیرو
ادعاهای قبلی خود، از ایران
تقاضا کرد این مسئله به دادگاه
بین المللی در هاک (HAGUE)
واگذار شود و ایران متقابلاً اعلام
کرد که مالکیت کشور ایران
روی این سه جزایر حتمی است
و نیاز به معامله و رجوع به
سازمان های بین المللی ندارد

در همین سال ها یعنی نوامبر ۱۹۷۱ بعد از اینکه سربازان ایرانی در ابوموسی مستقر شدند شاه با دولت شارجه که می خواست فدراسیون ایالات متحده عربی را تشکیل دهد موافقت نامه ای را امضا کرد که هر دو کشور مشترکاً از ابوموسی بهره برداری کنند. لازم به توجه است که ابوموسی در اعماق خود از منابع گاز و نفت عظیمی برخوردار است. از همین زمان بود که سربازان ایران کنترل روی دو جزیره مهم دیگر تنب کوچک و بزرگ را متمرکز کردند. این کار ایران سروصدای زیادی را در دنیای عرب آن زمان برانگیخت. ارتش عراق در همین زمان شروع به تقویت نیروهای نظامی خود در منطقه ام القصر کرد و تاسیسات نظامی زیادی در آنجا مستقر شد. دولت آمریکا که از دوستان کشور ایران آن زمان بود هیچ گونه دخالت و عکس العملی انجام نداد. در اکتبر ۱۹۷۲ رابطه دیپلماتیک بین ایالات متحده عربی و ایران برقرار شد. ولی دولت متحده عربی از ادعای خود در این مورد به سازمان ملل متحد همراه دیگر عضو این حاشیه نشین شکایت نامه ای تحویل داد. با شروع جنگ ایران و عراق رابطه ایالات متحده عربی با ایران به تیرگی گرایید چون از طرفی این کشور جانب متجاوزین عراقی را گرفته و به خاطر منافع خود و خصومتی که از دولت ایران

در مورد این جزایر داشت کمک‌های زیادی را به دولت متجاوز عراق کرده بود. با این پول‌ها بود که در واقع بمب‌ها و اسلحه‌های عراقی خریداری و بر سر مردم بی‌گناه و بی‌پناه ایرانی ریخته شد.

در سال ۱۹۹۲ کشور ایران با هوشیاری زیادی دست به اقدامی زد که مورد تحسین قرار گرفت. یعنی اخراج بیگانگانی که در این جزیره اسکان داشتند. امارات متحده عربی افراد زیادی را به این جزیره فرستاده بود و یکی از اهداف دولت متحده عربی این بود که با پول زیاد خرج کردن شروع به تشویق عربها برای اسکان یافتن در این جزیره کنند و با سرمایه‌گذاری، این جزیره را کاملاً عربی سازند و از دست ایران بیرون آورند. این خارجی‌ها که از طرف کشور متحده عربی کمک مالی می‌شدند مدارس، کلینیک‌ها و ایستگاه‌های برق شهر را در کنترل خود داشتند در همین سال (۱۹۹۲) که ایران کنترل کامل را بر جزیره اعلام کرد با دولت شارجه موافقت کرد که به پیمان ۱۹۷۱ احترام بگذارد و شارجه موقتاً از ادعای خود در این مورد چشم‌پوشی کرد.

در سال ۱۹۹۴ درست زمانی که دولت کویت و عراق به خاطر حمله عراق به آن کشور بر مشکلات خود می‌افزودند، ایران به تقویت نیروهای خود در جزیره ابوموسی افزود و یک سال بعد (۱۹۹۵) تقویت نیروهایش را از ۷۰۰ نفر به ۴۰۰۰ نفر رساند و موشک‌های زمین به هوا را در آنجا مستقر کرد و خط هوایی را به این جزیره گشود.

گفته می‌شود که ساختن بندری در ابوموسی نیز جزء برنامه‌های ایران قرار گرفت.

ایالات متحده عربی پیرو ادعاهای قبلی خود، از ایران تقاضا کرد این مسئله به دادگاه بین‌المللی در هاک (HAGUE) واگذار شود و ایران متقابلاً اعلام کرد که مالکیت کشور ایران روی این سه جزایر حتمی است و نیاز به معامله و رجوع به سازمان‌های بین‌المللی ندارد چرا که این حق ایران است و ما بر سر خاک کشور خودمان لزومی به مذاکره با کشور ثالثی احساس نمی‌کنیم ولی اعلام کرد که حاضر است در محیطی صلح دوستانه و آرام مسائل و سوءتفاهم‌ها را حل کند.

نفت:

در سال ۱۹۹۳ دولت و مجلس ایران مجدداً حاکمیت و ادعای مالکیت خود را در مورد این جزیره اعلام کرد.

تا ۳۰ الی ۵۰ سال آینده، نفت شارجه به پایان می‌رسد. لذا این کشور تلاش می‌کند برای دست

یافتن به مخازن عظیم نفت، مالکیت خود را بر این جزایر به ثبت برساند. در حال حاضر حوضه نفتی مبارک که در ۲۰ کیلومتری شرق ابوموسی قرار دارد بین ایران و شارجه به طور مساوی تقسیم می‌شود و دولت بریتانیا به صورت TURE JOINT- VEN در استخراج این نفت کمک و یاری می‌کند. دولت متحده عربی هیچ وقت جرات حمله نظامی به ابوموسی را همراه با پنج کشور دیگر حاشیه‌نشین خلیج فارس نکرده است. زیرا آتش آن جنگ از طرف ایرانیان ۶ کشور را به نابودی خواهد کشید و ایرانیان با تمام اختلاف سلیقه‌ای که در کشور خود دارند از حاکمیت ملی خود همیشه دفاع کرده و حتی این آرزو را بر دل دژخیمان عراق به دل گذاشته‌اند و با شهامت از ذره خاک این کشور پهناور دفاع کرده و خواهند کرد.

امنیت منطقه:

کنترل نظامی روی منطقه ابوموسی این امکان را به ایران می‌دهد که با راحتی بیشتری به کشتیرانی در این منطقه بپردازند. ابوموسی به خاطر فاصله‌ای که با تنگه هرمز دارد و با توجه به خروج روزانه ۱۵ میلیون بشکه نفت کشورهای حاشیه‌نشین از این منطقه استراتژیکی اهمیت خاصی به منطقه داده است. این مقدار نفت مصرف روزانه کشورهای اروپایی است و هرگونه بلوکه کردن کشتی‌های نفتکش در این منطقه استراتژیکی تأخیر در تحویل نفت به اروپا و آسیا و ژاپن و آمریکا است. این مقدار نفت ۷۰ درصد میزان مصرف کل آنها است.

دولت ایران با حرکت‌های نظامی در این جزیره امکان هرگونه وسوسه را در چند سال گذشته از کشورهای جنوبی و حاشیه‌نشین خلیج پهناور فارس گرفت و بارها در دهه ۱۹۸۰ این جزیره مورد استفاده نظامی قرار گرفته و وجود موشک‌های کرم ابریشم و زیردریایی‌های ساخته شده روسیه و مانورهای نظامی این قدرت را چند برابر کرده است. ایران با خرید قایق‌های تندرو چینی به نام Hou DONG بر تقویت خود در این منطقه افزود و باعث نگرانی کشورهای دیگر منطقه شد.

کنترل نظامی جزیره ابوموسی این امکان را به ایران می‌دهد که حرف‌های بیشتری در منطقه بزند و در مقابل وسوسه آشوب کشورهای جنوبی حاشیه‌نشین خلیج فارس آمادگی داشته باشد. در ضمن تقویت مدرن در ابوموسی نیز پشتوانه‌ای است برای بندرعباس و سرزمین مادری. کشور امارات متحده عربی که اقتصاد اصلی

آن را نفت تشکیل می‌دهد منطقه آزاد جبل علی را تبدیل به یک مرکز تجاری صنعتی برای معاملات بین‌المللی کرده است. بیشتر از ۲۱ میلیون تن کالا که از ژاپن، آمریکا و اروپا وارد می‌شود مجدداً از این نقطه به مکانهای دیگر نقل مکان می‌کند. با وجود تحریم اقتصادی که از طرف آمریکا به ایران اعمال شده است هنوز شرکت نفتی EXXON از خریداران نفت ایران به حساب می‌آید و این شرکت از طریق کشورهای اروپایی در سال، حدود ۴ میلیارد دلار از ایران نفت می‌خرد ژاپن بیشتر از ۷۰ درصد صنعت خود را از تنگه هرمز عبور می‌دهد و از کشورهای خریدار نفت این منطقه آمریکا را بایستی نام برد که ۱۰۵ میلیون بشکه در روز نفت مورد احتیاجش را از این مکان تهیه می‌کند.

به نظر می‌رسد که در ۱۰ سال آینده حدود ۶۰ درصد نفت آسیا از این منطقه تهیه شود. لذا این کشورهای آسیایی خریدار نفت اقدام به سرمایه‌گذاری در این منطقه برای بهره‌برداری کرده‌اند و با کشورهای صاحب فناوری نفت اروپایی به صورت Venture Joint به طور مشترک به استخراج نفت دست زده‌اند.

به نظر می‌رسد که ایالات متحده عربی تولید نفت خود را که ۲/۳ میلیون بشکه روزانه در ده سال گذشته بود به دو برابر در چند سال آینده برساند و روز به روز به این هدف نزدیک‌تر می‌شود. این فدراسیون عربی سالیانه حدود ۱ میلیارد دلار صرف استخراج و سرمایه‌گذاری در نفت می‌کند و در حال حاضر به امید استخراج بیشتر و درآمد بیشتر از نفت سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی کرده است.

کشور امارات متحده که بین ۴ تا ۵ درصد از درآمدش را از طریق نفت به دست می‌آورد حالا با سرمایه‌گذاری در بخش‌های دیگر سهم درآمد نفتی خود را ۳۰ درصد درآمد ارزی حاصله می‌داند و ایران امیدوار است که تولید روزانه نفت خود را از ۳/۵ میلیون بشکه در روز به ۵ میلیون بشکه رسانده و ارزش بیشتری را روانه بانک‌های داخل کشور کند.

در سال‌های اخیر گفته می‌شود که مذاکراتی بین ایران و امارات متحده عربی انجام شده و کشورهای دیگر منطقه که نگران رشد قدرت سیاسی و نظامی ایران هستند مایل هستند که مشکلات این دو کشور از طریق دادگاه بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی حل و فصل شود. ولی دولت ایران وجود جناح سوم را مردود شمرده و از دخالت جناح سوم جلوگیری می‌کند. چون این مناقشات و رجوع آن به سازمان ملل و حل آن توسط سازمان ملل مشکلاتی دارد. اول اینکه

سازمان ملل هیچ گونه تصمیمی نخواهد توانست در مورد این جزایر بگیرد. چون روسیه دوست کنونی دولت ایران آن را وتو خواهد کرد. چون خودش چنین مشکلی را با ژاپن دارد و کشور چین هم چنین مسائلی را دارد. مسلماً واگذاری این جزایر به امارات متحده معقول به نظر نمی‌رسد. چون اولاً جزء خاک ایران به حساب می‌آید و از نظر سیاسی و نظامی برای ایران به عنوان شاهرگ اصلی قلمداد می‌شود و ایران با دادن آن خودکشی سیاسی و نظامی خود را امضاء خواهد کرد و ضرر و زیان آن متوجه ایران خواهد شد چرا که قبلاً واگذاری بحرین چنین مسائلی را به وجود آورد. امارات متحده در برنامه‌های خود در سال‌های اخیر کوشش داشته تا با جابجائی افراد (RESETTLEMENT) و ایجاد شهرک‌های مسکونی و سرمایه‌گذاری در آن عرب‌های منطقه را به آن کوچ داده و آن را در دست خود گرفته و کم‌کم از وجود ایرانی‌ها پاک کند. ایران بایستی هوشیاری زیادی نسبت به این کارهای مشکوک

داشته باشد و اجازه ندهد که این جزایر مورد تجاوز قرار گیرد.

بنده توصیه می‌کنم که دولت ایران و بانک‌های کشور اقدام به سرمایه‌گذاری در این جزایر کنند و آن را مثل جزیره کیش رونق اقتصادی بدهند و مردم را برای زندگی در آن تشویق کنند و با ایجاد شهرک‌های مسکونی و ایجاد صنایع کوچک و صنعتی و دادن وام‌های بدون بهره و یا با بهره کم کمکی ارزنده در آبادانی و شکوفایی این جزیره داشته باشند. ایجاد خط هوایی و دریایی و تشویق توریست سفر به این سه جزیره نیز اهمیت خاصی دارد. آگاهی همگانی در جزایر کشور و آشنایی مردم با این جزایر تشویق آنها به کوچ کردن به این جزایر بایستی از اولویت‌ها به حساب آید.

دولت امارات متحده ۲۵ درصد از صادرات غیرنفتی خود را به ایران انجام می‌دهد. لذا توصیه می‌شود با برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و ایجاد مناطق آزاد و تردهای دریایی، سیاست واردات را از امارات متحده عربی منحرف کند و به این جزایر سوق دهد و از واردات کالا از امارات متحده عربی بکاهد. چون تنگ کردن شاهرگ اقتصادی آنها به سود قدرت بیشتر ایران و حاکمیت دولت ایران خواهد بود و تجربه نشان داده که ایران نبایستی به این کشورها اعتماد کند. همانگونه که دولت متجاوز عراق قرارداد ۱۹۷۵ را زیر پا گذاشت و به ایران حمله کرد. هر زمانی که کشورهای منطقه جنوبی حاشیه‌نشین خلیج فارس از نظر اقتصادی رونق بگیرند شروع به آزار و اذیت سیاسی همسایگان خود می‌کنند و برای کنترل آنها ایجاب می‌کند تا حتی الامکان تجارت کمتری با آنها داشته و یک برنامه‌ریزی اقتصادی و لیبرال و بهتری را در حاشیه شمالی (ایران) انجام شود که آنها پول خود را برای تفریح هم که شده در کشور ما خرج کرده و این آرامش و امنیت به آنها داده شود که ثبات اقتصادی در کشور ما محیط مناسبی برای

سرمایه‌گذاری آنها خواهد بود و این عمل تولید کار در ایران خواهد کرد. ساختن شهرک‌های توریستی و زیبا و امکانات تفریحی در سواحل جنوبی کشور ما، آنها را تشویق به دیدار از ایران کرده و محیطی مناسب برای تفریح و خرج کردن پول آنها مهیا می‌کند.

حال سری مجدد به وضعیت دو جزیره تنب کوچک و بزرگ بنزیم و موقعیت جغرافیایی و سیاسی آن را تجزیه و تحلیل کنیم. این دو جزیره که جزء بخش ابوموسی به حساب می‌آید در ۲۷ کیلومتری از بندر لنگه قرار دارند و به شکل مثلث تنب کوچک، طولی حدود ۲ کیلومتر از طرف شمال غربی و ۱/۵ کیلومتر از طرف جنوب دارد این جزیره به خاطر داشتن مارهای سمی خطرناک معروف است. به نظر نمی‌رسد که در گذشته ساکنین دائمی در آن زندگی کرده باشند چون از داشتن آب شیرین هم محروم است در مقایسه با تنب کوچک جزیره تنب بزرگ حکم بهشت را دارد و در ایام زمستان سرسبز است. این بلخی در قرن ۱۲ در کتاب فارس‌نامه صحبت از آن کرده و نیز در قرن ۱۶ جغرافی‌دان ایتالیائی به نام Giovanni Ramusio از آن نام برده و آن را با نام Island Dome و یا جزیره گنبدی یاد کرده است. در کتاب‌های ایرانی قدیمی از این دو جزیره به نام گنبد کوچک و گنبد بزرگ نام برده شده است.

ایران حتی در سال‌های ۱۹۰۴ مناقشه بر سر این جزایر را با دولت بریتانیای کبیر داشته و از سال ۱۹۷۱ نیز با امارات متحده عربی داشته است. با وجودی که هیچ وقت در سده گذشته ما به هیچ کشور همسایه‌ای بی‌احترامی و بی‌توجهی نکرده‌ایم ولی بارها از طرف آنها بی‌احترامی سیاسی، نظامی و غیره را شاهد بوده‌ایم.

به نظر می‌رسد مهم‌ترین چیزی که باعث علاقه دو کشور ایران و امارات متحده عربی در رابطه با جزیره ابوموسی مطرح است نفت زیاد آن باشد. امارات متحده عربی از طرفی نمی‌خواهد معامله‌های تجاری چند میلیاردی سالیانه خود را با ایران به خطر بیندازد. کنترل داشتن بر ابوموسی یعنی کنترل بر نفت برای خروج از تنگه هرمز و امارات متحده عربی بیم آن دارد که این منطقه اگر به آشوب کشیده شود حاکمیت آنها را نیز به خطر بیندازد. ایران کشوری نیست که به حد و مرز کشور همسایه حمله‌ای کند و هیچ وقت فرهنگ غنی ما در ۱۰۰ سال اخیر چنین چیزی را به خاطر نمی‌آورد. متقابلاً مطمئن هستیم در دفاع از تمامیت ارضی نیز قاطعانه پاسخ خواهیم داد. ■